

مقایسه مصحف حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام با مصحف ابن مسعود

□ سید حسین خادمیان نوش آبادی *

□ طیه نظری **

چکیده

قرآن مجید اولین و مهم ترین منبع در استنباط احکام فقهی در میان همه مذاهب فقهی اسلامی است. این منبع قدسی، از مرجعیت مطلق نسبت به منابع دیگر برخوردار است به گونه ای که فقیه، محدث، مورخ و ... موظف هستند داده های منابع دیگر را به آیات قرآن مجید عرضه و صحت و اصالت و یا مخدوش بودن آن را از نتیجه این عرضه استنباط و استظهار نمایند. وجود مصاحف متعدد و اختلاف قرائات یکی از نکات مهم در این خصوص است که باید فقیه نسبت به آن التفات ویژه داشته باشد. این پژوهش بر اساس مقایسه میان دو مصحف حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام و ابن مسعود تدوین، اشتراکات و اختلافات و ویژگی های هر یک تبیین و تحلیل و سامان یافته است و به این نتیجه رسیده: با توجه به تدوین مصحف امیرالمؤمنین علیه السلام در زمان حیات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و عدم حذف و اضافات توسط حضرت و این که مصحف ابن مسعود بعد از رحلت پیامبر اکرم املا و توسط شاگردانش تدوین شد و ابن مسعود اقدام به تغییر و حذف برخی واژگان و سوره ها نموده، باسته و شایسته است فقهای مذاهب اسلامی به مصحف حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام که قطعا با مصحف کنونی که در اختیار امت اسلامی است مطابقت دارد التفات داشته بر خلاف مصحف ابن مسعود که قابلیت اعتماد و استناد را ندارد. کلیدواژه ها: قرآن کریم، مصحف، امیرالمؤمنین، ابن مسعود.

* دکتری تاریخ اسلام از دانشگاه ادیان و مذاهب، کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث از دانشگاه پیام نور قم و سطح چهار سیره شناسی تخصصی پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله موسسه ائمه اطهار حوزه علمیه قم (taha_khademian@yahoo.com).

** پژوهشگر علوم قرآن و حدیث.

مقدمه

قرآن کتاب وحیانی مسلمانان است که از سوی خدا متعال بر آخرین فرستاده الهی یعنی حضرت خاتم الانبیاء محمد ﷺ نازل گردید و پیامبر مکرم اسلام ﷺ آیات قرآن را به مردم ابلاغ می‌فرمود. (عسکری، ج ۱، ص ۱۳۲) در واقع بخش مهم وظیفه رسالت پیامبر اکرم ﷺ ابلاغ وحی الهی و تعلیم آیات قرآن کریم بود.

با توجه به داده‌های تاریخی و روایی اسلامی آن حضرت ضمن ابلاغ وحی دستور تدوین این آیات را هم داده‌اند (عسکری، ج ۱، ص ۱۳۹). اولین و برترین و مطمئن‌ترین شخصیتی که از سوی پیامبر اکرم ﷺ، مامور به جمع‌آوری قرآن شد حضرت علی علی‌ه السلام بود.

بعد از رحلت پیامبر ﷺ با توجه به اختلافات سیاسی مصحفی که حضرت علی علی‌ه السلام جمع فرموده بود بنا به دلایل سیاسی از سوی حکام و طرفداران آنان به نوعی کنار گذاشته شد.

غیر از حضرت علی علی‌ه السلام برخی از صحابه پیامبر نیز اقدام به جمع‌آوری آیات قرآن نمودند که یکی از آنان عبدالله بن مسعود می‌باشد. و البته با پیدایش اختلافات سیاسی و جنگ‌های مختلف و کشته شدن جمعی از حفاظ قرآن و ... خلفیه وقت تصمیم گرفت مصحف واحدی را تعیین نماید. با این وصف در متون برجای مانده، مصحف‌های سایر اصحاب مورد اشاره و نقل و گاهی مورد استناد و التفات است که از آن جمله مصحف ابن مسعود می‌باشد که مفسران و فقها و ... در موارد مختلف مانند مساله جزئیت بسم الله در سوره‌های قرآن و نوع قرائت برخی کلمات و ... به آن اشارت دارند (تستری، ج ۱، ص ۱۹۹ - موسوی دارابی، ج ۵، ص ۹۰ و ص ۱۳۹) از مصاحف مشهور می‌توان از مصحف حضرت امیرالمومنین علی علی‌ه السلام، مصحف ابن مسعود، مصحف ابن عباس، مصحف ام سلمه و ... نام برد.

در این تحقیق ضمن تعریف مفاهیم مورد نیاز، به معرفی و شاخصه‌های تدوین دو مصحف حضرت امیرالمومنین علی علی‌ه السلام و عبدالله بن مسعود پرداخته و تحلیل و مقایسه ارائه شده است.

مفاهیم

برای بیان مقصود این تحقیق، مفاهیم کلیدی در آن تبیین می‌گردد:

مصحف: مصحف (به ضم میم و نیز کسر و فتح آن) و جمع آن مصاحف، واژه‌ای عربی می‌باشد و به معنای نوشتاری جلد شده و اسم است برای کتاب مجلد. (موسوی دارابی، ج ۵، ص ۷۵) و مصحف نامیده می‌شود برای این که اصحف؛ یعنی جمع می‌کند نوشته‌ها را بین دو جلد (فراهیدی، ج ۸، ص ۱۱) مُصَحَف در لغت به معنای چیزی بوده که صحیفه‌ها در آن جمع شده است؛ یعنی چیزی که دارای دو رویه (جلد) بوده و در آن، اوراق جمع‌آوری و نگهداری می‌شده است. (عسکری، ج، ص ۲۶۴)

قرآن را نیز مصحف می‌نامند زیرا نوشتار بوده و در احادیث معصومین علیهم السلام از قرآن با عنوان مصحف نیز یاد شده است (کلینی، ج ۲، ص ۶۱۳). و در زمام کهن کتاب‌های دینی را مصحف می‌نامیدند (احمد الدقاق، ص ۲۶)

در این پژوهش مقصود مصحف اوراق جامع قرآن است که در زمان پیامبر (صلی الله علیه و آله) یا پس از آن توسط صحابه جمع‌آوری شده است.

صحابه: صحابه (به کسر صاد و فتح آن) جمع صاحب به معنای یار و برای زنان تعبیر صحابیات به کار رفته است و در اصطلاح یعنی فردی که این توفیق را داشته است که حضرت رسول الله (صلی الله علیه و آله) را در حال اسلام ملاقات نموده و بر ایمان خود استوار مانده باشد.

منظور از ملاقات، اعم از دیدار، همنشینی، همراهی و رسیدن یکی به دیگری است، هر چند با هم سخن نگفته باشند و مثلاً به واسطه نایبانی، پیامبر (صلی الله علیه و آله) را ندیده باشد.

از نظر امامیه، صحابه از جهت عدالت و قداست با دیگر مسلمانان فرقی ندارند و عدالت هر یک از آن‌ها باید به طریق معتبر ثابت شود. مقصود ما از صحابه در این پژوهش همان تعریف امامیه می‌باشد.

مصحف حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام)

حضرت امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) برترین و مهم‌ترین شخصیت پس از حضرت رسول الله (صلی الله علیه و آله) و اولین فرد مومن به پیامبر بود که به اقرار همه مورخین و محدثین عامه و امامیه از نخستین لحظات بعثت پیامبر و نزول وحی در محضر آن حضرت حاضر و کتابت وحی را بر عهده

داشت و حتی در مواقعی که به جهاد یا سفر و ... می‌رفت پس از بازگشت آن چه بر پیامبر نازل شده بود را دریافت می‌نمود.

وجود این مصحف بر اساس روایات و متون امامیه و سایر مذاهب اسلامی قابل اثبات است و در بیش از ۲۲۰ منبع تفسیری، حدیثی، تاریخی و ... امامیه و غیر شیعی بدان تصریح و استناد شده است (احمدالدقاق، ص ۴۵) شیخ مرتضی انصاری ظهور این مصحف را با ظهور حضرت حجت روحی له الفداء اعلان نموده است (انصاری، ج ۶، ص ۳۶۰)

احمد الدقاق بر اساس روایات و تسالم عند الطائفة (شیعه) که اقوی از شهرت و اجماع است، همچنین عقل وجود مصحف را امری محتوم ثابت شده می‌داند (احمد الدقاق، ۱۳۵) و با استناد به آثار اهل سنت مانند الطبقات الکبری، تاریخ دمشق، کنز العمال، المصنّف صنعانی، استیعاب، المناقب خوارزمی، ینابیع الموده و ... وجود این مصحف را از طریق اهل سنت نیز اثبات می‌نماید (احود الدقاق، ص ۱۴۱) شیخ انصاری گزارش متقن می‌دهد که مصحف در خزانه مشهد الرضا (علیه السلام) به خط حضرت امیرالمومنین و اولاد معصومان حضرت صلوات الله علیهم وجود داشته و افراد زیادی آن را مشاهده و گزارش نموده‌اند (انصاری، ج ۶، ص ۳۵۵) محمود رامیار در تحقیقات خود از ابن ندیم نقل می‌کند: مصحف حضرت امیرالمومنین (علیه السلام) دیده‌ام و به مرور زمان اوراقی از آن افتاده است و ... من (ابن ندیم) در زمان خودمان نزد ابو یعلی حمزه حسنی، مصحفی دیدم که اوراقی از آن ریخته بود این مصحف به خط علی ابن ابی طالب بود که بنی حسن آن را در مرور زمان به میراث برده بودند (رامیار، صص ۳۷۴-۳۶۸) به تعبیر محمود رامیار این شهادت‌ها و گزارشات به حدی است که از اعتبار والا و بالا برخوردار است که جای انکار برای وجود خارجی مصحف نمی‌گذارند. و حتی نسخ مصحفی که با امضای علی بن ابوطالب موجود است و مورد نقد ادبی برخی قرار گرفته که باید علی بن ابی طالب باشد و این خطای نحوی اماره‌ای است که این مصحف‌ها جعلی باشد به شدت مورد رد و نقد صاحب نظران قرار گرفته و در پاسخ به این اشکال با ارائه نمونه‌های تاریخی از نامه‌های پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) مانند من محمد رسول الله الی المهاجر بن ابو امیه و ... بیان نموده‌اند اتفاقاً در قرن اول هجری بعضی از اعلام مرکب همچون اعلام مفرد استعمال می‌شده مثل علی بن ابوطالب و ... (رامیار، صص ۳۷۸-۳۷۳)

سلیم بن قیس گزارش می‌کند:

فَمَا نَزَلَتْ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنَ الْقُرْآنِ إِلَّا أَقْرَأَ بِهَا وَأَمْلَاهَا عَلَى فِكَتَبْتُهَا بِحَظِّي وَدَعَا اللَّهَ أَنْ يَفْهَمَنِي [إِيَّاهَا] وَيَحْفَظَنِي فَمَا نَسِيتُ آيَةً مِنْ كِتَابِ اللَّهِ مُنْذُ حَفِظْتُهَا وَعَلَّمَنِي تَأْوِيلَهَا [فَحَفِظْتُهَا وَأَمْلَاهُ عَلَى فِكَتَبْتُهَا] وَ مَا تَرَكَ شَيْئاً عَلَّمَهُ اللَّهُ مِنْ حَلَالٍ وَ حَرَامٍ أَوْ أَمْرٍ وَ نَهْيٍ أَوْ طَاعَةٍ وَ مَعْصِيَةٍ كَانَ أَوْ يَكُونُ [إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ] إِلَّا وَ قَدْ عَلَّمَنِيهِ وَ حَفِظْتُهُ وَ لَمْ أَنْسَ مِنْهُ حَرْفاً وَاحِداً ثُمَّ وَضَعَ يَدَهُ عَلَى صَدْرِي وَدَعَا اللَّهَ أَنْ يَمْلَأَ قَلْبِي عِلْماً وَ فَهْماً [وَفِقْهَا] وَ حُكْماً وَ نُوراً وَ أَنْ يَعْلَمَنِي فَلَا أَجْهَلَ وَ أَنْ يَحْفَظَنِي فَلَا أَنْسَى فَقُلْتُ لَهُ ذَاتَ يَوْمٍ يَا نَبِيَّ اللَّهِ إِنَّكَ مُنْذُ يَوْمٍ دَعَوْتَ اللَّهَ لِي بِمَا دَعَوْتَ لَمْ أَنْسَ شَيْئاً مِمَّا عَلَّمْتَنِي فَلِمَ تُمْلِيهِ عَلَيَّ وَ تَأْمُرْنِي بِكِتَابَتِهِ أَتَتَحَوَّفُ عَلَى النَّسْيَانِ فَقَالَ يَا أَخِي لَسْتُ أَتَحَوَّفُ عَلَيْكَ النَّسْيَانِ وَ لَا الْجَهْلَ وَ قَدْ أَخْبَرَنِي اللَّهُ أَنَّهُ قَدْ اسْتَجَابَ لِي فِيكَ وَ فِي شُرَكَائِكَ الَّذِينَ يَكُونُونَ مِنْ بَعْدِكَ قُلْتُ يَا نَبِيَّ اللَّهِ وَ مَنْ شُرَكَائِي قَالَ الَّذِينَ قَرَنَهُمْ؛ از سلیم بن قیس هلالی روایت شده که گفت: شنیدم که امیر المومنین علیه السلام می‌فرمود: آیه‌ای بر رسول خدا صلی الله علیه و آله نازل نشد، مگر آن که آن را برایم خواند و املا کرد؛ پس آن را به خط خود نوشتم و تأویل و تفسیر آن و ناسخ و منسوخ آن و محکم و متشابه آن را به من آموخت و از خدا برایم خواست که فهم و حفظ آن را به من بیاموزد. از زمانی که این دعا را برای من کرد، نه آیه‌ای از قرآن را فراموش کردم و نه علمی را که برایم املا کرد و نوشتم را از یاد بردم و هر آنچه را که خدا از حلال و حرام و امر و نهی در گذشته و آینده و نیز از طاعت و معصیت، به او آموخت، به من یاد داد و آن را حفظ کردم و حتی یک حرف آن را فراموش نکردم. سپس دستش را بر سینه‌ام گذاشت و از خدا خواست که قلبم را از علم و فهم و حکمت و نور پر کند و چیزی را فراموش نکردم و چیزی را نانوشته باقی نگذاشتم. گفتم: ای رسول خدا! آیا نمی‌ترسید که از این به بعد دچار فراموشی شوم؟ فرمود: از فراموشی یا نادانی تو نمی‌ترسم؛ چرا که پروردگارم مرا با خبر ساخته که او در مورد تو و شریکان تو که پس از تو خواهند بود، دعای مرا اجابت کرده است. گفتم: ای رسول خدا! شریکان من پس از من که هستند؟ فرمود: کسانی که خداوند آن‌ها را با خودش و با من مقرون

ساخت. پس فرمود: اوصیا از نسل من تا زمانی که در کنار حوض بر من وارد شوند، همگی، هدایت شده‌اند و دیگران نمی‌توانند به آنان آسیبی بزنند. آنان با قرآن هستند و قرآن با آنهاست. قرآن از آنها جدا نمی‌شود، آنها نیز از قرآن جدا نمی‌شوند. به واسطه آنها امت من پیروز می‌شود و به واسطه آنها به باران می‌رسند و به واسطه آنها بلا از آنها دور می‌شود و به واسطه آنها دعایشان مستجاب می‌شود. گفتم: ای رسول خدا ﷺ، آنها را برایم نام ببر: به من فرمود: این فرزندانم و دستش را بر سر حسن علیه السلام قرار داد، سپس این فرزندانم و دستش را بر سر حسین علیه السلام قرار داد، سپس پسر او که به او علی گفته می‌شود و در ایام حیات تو متولد خواهد شد. سلام مرا به او برسان. سپس دوازده نفر از فرزندان محمد صلی الله علیه و آله کامل می‌شوند. به او گفتم: پدر و مادرم به فدایت، آنها را برایم نام ببر، پس آنها را فرد به فرد نام برد. به خدا سوگند، ای برادر بنی هلال، من می‌دانم چه کسی با مهدی امت محمد صلی الله علیه و آله که زمین را پس از آن که پر از ظلم و جور شده است، پر از عدل و داد خواهد کرد، بین رکن و مقام، بیعت خواهد کرد و حتی نام پدران و قبایل آنان را نیز می‌دانم. (سلیم بن قیس، ج ۱، ۱۸۳)

در گزارش علی بن رباح آمده است: أَنَّ النَّبِيَّ أَمَرَ عَلِيًّا بِتَأْلِيفِ الْقُرْآنِ فَالَفَهُ وَ كَتَبَهُ ؛ پیامبر صلی الله علیه و آله را مأمور تألیف قرآن کرد و او قرآن را تدوین نمود (ابن شهر آشوب، ج ۲، ۴۱)

قَالَ ابْنُ عَبَّاسٍ فَجَمَعَ اللَّهُ الْقُرْآنَ فِي قَلْبِ عَلِيٍّ وَ جَمَعَهُ عَلِيٌّ بَعْدَ مَوْتِ رَسُولِ اللَّهِ بِسِتَّةِ أَشْهُرٍ؛ ابن عباس که به عنوان مفسر بزرگ قرآن مطرح است می‌گوید: خداوند قرآن را در قلب علی جمع نمود و حضرت علی بعد از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله به مدت ۶ ماه قرآن را جمع آوری نمود. (مجلسی، ج ۸۹، ۵۱)

ابن مسعود که خود دارای مصحفی است در عظمت شخصیت حضرت امیرالمومنین علیه السلام اقرار می‌کند: هیچ کس را مانند علی بن ابی طالب عالم به قرائت قرآن ندیده‌ام (مجلسی، ج ۸۹، ۵۳)

ابوبکر خضرمی از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که پیامبر به حضرت علی علیه السلام فرمود:

يَا عَلِيُّ الْقُرْآنُ خَلْفَ فِرَاشِي فِي الصُّحُفِ - وَ الْحَرِيرِ وَ الْقَرَّاطِيسِ فَخُذْهُ وَ اجْمَعْهُ - وَ لَا تُضَيِّعْهُ كَمَا ضَيَّعَتِ الْيَهُودُ التَّوْرَةَ فَانْطَلَقَ عَلِيٌّ علیه السلام فَجَمَعَهُ فِي ثَوْبٍ أَصْفَرٍ - ثُمَّ خَتَمَ عَلَيْهِ فِي بَيْتِهِ وَ قَالَ: لَا أُرْتَدِي حَتَّى أَجْمَعَهُ - فَإِنَّهُ كَانَ

الرَّجُلُ لِيَأْتِيَهُ فَيُخْرِجُ إِلَيْهِ بِغَيْرِ رَدَاءٍ حَتَّى جَمَعَهُ، قَالَ وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ: لَوْ أَنَّ النَّاسَ قَرَأُوا الْقُرْآنَ كَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مَا اخْتَلَفَ اثْنَانِ يا علي! قرآن، بالای بستر من در صحیفه و حریر و کاغذهایی است. آن را برگزید و جمعش کنید و آن را ضایع نکنید، آن گونه که یهود تورات را ضایع کردند. پس علی علیه السلام اقدام به جمع آوری آن در پارچه‌ای زرد نمود و بر آن مهری زد و در خانه اش گذاشت. و گفت: ردا و عبا بر تن نخواهم کرد تا آن که قرآن را جمع آوری کنم. و چون کسی به سراغ او می‌رفت بدون ردا به استقبالش می‌رفت تا این که قرآن را جمع آوری کرد. امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: اگر مردم قرآن را آن گونه که نازل شد بخوانند، حتی دو نفر دچار اختلاف نمی‌شدند.

در نقل دیگر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: و الذی بعثنی بالحق نبیا لئن لم تجمععه بإتقان لم یجمع أبدا، سوگند به آن کس که مرا به حق برانگیخت! اگر تو آن را محکم و متقن جمع نکنی، هرگز جمع نخواهد شد. (صدوق، ص ۵۷۹)

مرحوم شیخ مفید در کتاب المسائل السرویة می‌نویسد: قطعاً حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام قرآن نازل شده را از اول تا آخر تدوین نمود و براساس ترتیب نخستین تنظیم؛ سوره‌های مکی را بر مدنی و منسوخ را بر ناسخ مقدم داشته و هر آیه و سوره‌ای را در جای خویش قرار داده است. امام صادق علیه السلام فرموده است: به خدا سوگند، اگر قرآن، چونان که نازل شده بود خوانده می‌شد، بی گمان نام ما را در آن می‌یافتید؛ همان گونه که نام پیشینیان ما در آن یافت می‌شد. (عیاشی، ج ۱، ص ۸۹، ح ۴۶) گویا مفاد حدیث این باشد که ترتیب آیات بر اساس نزول، مطلب را روشن می‌کرد؛ هر چند نام اشخاص برده نشده باشد (مفید، ج ۱، ص ۷۹).

ویژگی‌های مصحف حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام

مصحف حضرت امیر علیه السلام از لحاظ آیات و سور هیچ اختلافی با قرآن کنونی ندارد، (نه زیادت و نه کمتر از قرآن کنونی) مرحوم علامه در المیزان می‌فرماید:

چطور ممکن است قرآنی که در دست ماست و معارفش همه به هم مربوط و فروعش بر اصولش مترتب می‌باشد، دست خوش تحریف قرار گرفته باشد؟ جمع

آوری قرآن توسط حضرت علی علیه السلام و عرضه داشتن بر اصحاب و نپذیرفتن آنان دلیل نمی‌شود بر اینکه قرآنی که آن جناب جمع‌آوری کرده بود مخالف با قرآن دیگران بوده و از حقایق اصلی دین یا فرعی آن چیزی اضافه داشته است، چون اگر واقعا چنین بود حضرت امیرالمومنین علیه السلام به سادگی دست از قرآن خود برنمی‌داشت بلکه به طور قطع به وسیله آن به احتجاج می‌پرداخت و به مجرد اعراض آنان قانع نمی‌شد (طباطبایی، ج ۱۲، ص ۱۶۷)

آیت‌الله معرفت در این خصوص می‌نویسد:

قرآن با همین نظم و ترتیب موجود مربوط به زمان پیامبر صلی الله علیه و آله است و سید مرتضی نیز در این نظر همراه است و می‌گوید قرآن به کیفیتی که هم اکنون در دست است در زمان پیامبر صلی الله علیه و آله بوده است، و حضرت علی علیه السلام را به جمع‌آوری قرآن هنگام وفاتش وصیت نمود. (معرفت، الف، ج ۱، ص ۳۴۱)

البته این مصحف دارای ویژگی‌هایی است که به آنها اشاره می‌شود.

۱. مشتمل بر تاویل آیات یعنی بیان مراد و مقصود از لفظ که بر خلاف ظاهر حمل شده است و بیان مراد و مقصود واقعی الفاظ
۲. بیان محکم و متشابه. قرآن کریم دارای آیات محکم است که معنا و دلالت آن واضح است و آیاتی دارد متشابه و مصحف حضرت امیرالمومنین علیه السلام معنای حقیقی متشابهات را تبیین نموده است.
۳. ذکر اسامی حق و باطل و تصریح به فضایح و جنایات اشخاص و قبائل (طبرسی، ج ۱، ص ۲۲۸)

۴. ترتیب دقیق آیات و سور طبق نزول آن‌ها. مکی پیش از مدنی در این مصحف رعایت شده و کاملاً مراحل و سیر تاریخی نزول آیات در آن روشن بود و بدین وسیله سیر تشریع و احکام مخصوصاً مساله ناسخ و منسوخ در قرآن فهمیده می‌شد

۵. در این مصحف قرائت آیات طبق قرائت در آن راهی نبود و بدین ترتیب راه برای فهم محتوی و به دست آوردن تفسیر صحیح آیه هموار بود و این امر اهمیت بسزایی داشت زیرا چه بسا اختلاف قرائت موجب گمراهی مفسر می‌شود که در آن مصحف موجبات گمراهی وجود نداشت.

۶. جوانب کلی آیات به گونه‌ای که آیه، محدود و مختص به زمان یا مکان یا شخص خاصی نگردد، در این مصحف روشن شده است (جوان آراسته، ص ۱۶۵)

نکته:

خرمشاهی می‌نویسد: به باور شهرستانی در تفسیر مفاتیح الاسرار، قرآن جمع‌آوری شده توسط امام علی علیه السلام علاوه بر متن، حاشیه هم داشته (خرمشاهی، ج ۲، ص ۴۶۸) و همچنین به گفته شیخ مفید، تأویل آیات قرآن کریم هم در آن بوده است (همان، ص ۴۶۹) بنابر برخی روایات، بسیاری از مبهمات، از جمله نام بعضی از منافقان، در حاشیه قرآن جمع‌آوری شده توسط امام علی علیه السلام بیان شده بوده و برخی محققان، همین مورد را یکی از دلایل پذیرفته نشدن آن توسط صحابه پیامبر دانسته‌اند. (همان)

به تصریح بسیاری از منابع شیعه، مصحف امام علی علیه السلام به نوبت و بر اساس توارث، در دست ائمه علیهم السلام بوده و اکنون نزد امام دوازدهم علیه السلام است

سرنوشت مصحف حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام

آیت الله معرفت نقل می‌کند: سلیم بن قیس هلالی از سلمان فارسی روایت کرده است که چون امیرالمؤمنین علیه السلام با بی‌وفایی مردم روبرو شد، در خانه نشست و به جمع و تالیف قرآن پرداخت و پس از اتمام آن از خانه بیرون آمد - و به روایت یعقوبی اوراق قرآن را بر شتری حمل کرد- و نزد مردمی که در مسجد بودند رفت و خطاب به آنان فرمود: پس از درگذشت پیامبر به جمع‌آوری قرآن مشغول شدم تا اینکه آن را در یک جا جمع آوردم، خداوند آیه‌ای از قرآن بر پیامبرش صلی الله علیه و آله نازل نکرده، مگر آن که من آن را گرد آورده‌ام و آیه‌ای از قرآن نیست مگر آنکه پیامبر صلی الله علیه و آله بر من قرائت کرد. و تأویل آن را به من آموخت، فردا نگوئید که ما از چنین امری غافل بودیم آنگاه مردی از بزرگان قوم ایستاد و گفت آن را باز ببر، که ما را به آن نیازی نیست و آنچه از قرآن پیش ماست، ما را از آنچه تو می‌گوئی بی‌نیاز می‌کند، حضرت علی علیه السلام فرمودند: قسم به خدا که از این پس، هرگز آن را نخواهید دید. (معرفت، الف، ج ۱، ص ۳۵۲) و بعضی بر این عقیده‌اند و روایات هم به این مطلب اشاره دارد که آن مصحف به عنوان میراثی نزد امامان است

و از امامی به امام دیگر می‌رسد. (همان)

مصحف ابن مسعود

پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و پذیرفته نشدن مصحف حضرت علی علیه السلام، عده دیگری از صحابه به جمع قرآن پرداختند از جمله: عبدالله بن مسعود ابن مسعود، از نخستین مسلمانان و مهاجران حبشه، راوی حدیث، قاری و مفسر قرآن کریم، مدفون در بقیع است. نام کامل او عبدالله بن مسعود بن غافل بن حبیب شمش بن فارس بن مخزوم الهذلی الکوفی و مکنی به ابن ام عبد و ابو عبدالرحمن است. و از مهاجران به حبشه بوده و در جنگ بدر حضور داشته است. وی از اصحاب مشهور پیامبر صلی الله علیه و آله می‌باشد و همراه مادرش که اسلام آورده بود، در منزل پیامبر صلی الله علیه و آله خدمت می‌کرد و به نگهداری لوازم شخصی پیامبر همچون جامه و کفش و ... مشغول بود و بدن جهت او را «صاحب النعلین و السواک و الوساد» لقب داده‌اند. در مدینه فوت کرد و در بقیع دفن شد (موسوی دارابی، ج ۵، ص ۱۶۳) بر اساس آنچه در منابع آمده، ابن مسعود آیات قرآن را از حافظه بر شاگردان املا می‌نمود و آنان قرائت او را در مصاحفی می‌نوشتند عثمان او را امر کرده مصحف خود را تحویل نماید تا به همراه دیگر مصاحف از بین برده شود. به گفته روایات، ابن مسعود به این امر تن در نداد و به همین سبب به امر عثمان مضروب شد. اما بنا به برخی روایات ابن مسعود از این موضع خود عدول و مصحف عثمانی را تأیید کرد. از آن پس، گاه گاه نسخه‌ای از «مصحف عبدالله بن مسعود» دیده شده است.

در کوفه شماری از بزرگان تابعین چون اسود بن یزید، زَرّ ابن حُبیش، عبید بن قیس، ابوعبدالرحمان سلمی، ابوعمر و شیبانی و زید بن وهب از محضر او قرائت آموختند و تا چندی قرائت او در کوفه غالب بود. بر اساس حکایتی از اعمش در اوایل سده ۲ ق در کوفه مصحف عثمانی در عرض قرائت ابن مسعود چندان تداول نداشته است، در حالی که در طول نیم سده به تدریج جای قرائت ابن مسعود را گرفته، تا آن جا که در اواسط سده ۲ ق تنها عده اندکی قرائت مزبور را در ثبت خود داشتند. از آن پس در کوفه قرائت‌هایی به وجود آمد که مصحف عثمانی کوفه مبنای آن‌ها بود و در خواندن آن، قرائت ابن مسعود به کار می‌آمد. در واقع قرائات رسمی

کوفه، یعنی «عاصم، حمزه، کسایی و خلف» از قاریان عشر، کمابیش در قرائت ابن مسعود ریشه دارند. (معرفت، الف، ۱۳۷۱، ج ۱: ۳۷۵)

ابو عبدالله محمد بن محبوب و ابن سلام از عالمان مشهور اباضی در سده ۳ق، ابن مسعود را در شمار اصحابی آورده‌اند که اباضیه تعالیم خود را از آنان گرفته‌اند. و در نیمه اول سده ۲ق در شمال آفریقا فرقه عمریه توسط عیسی بن عمیر تأسیس شد که برخلاف دیگر اباضیان، مذهب خود را به ابن مسعود منتسب می‌کردند و حتی در مورد قرآن، مصحف او را اساس می‌دانستند

ویژگی‌های مصحف ابن مسعود

۱. ترتیب سوره‌ها چنین بود: سبع طوال، مئین، مثنی، حوامیم، ممتحنات و مفصلات.

۲. این مصحف طبق یک نقل ۱۱۲ سوره داشت، (موسوی دارابی، ج ۵، ص ۵۱) و با تامل در گزارشات باید گفت ۱۱۱ سوره داشته است زیرا فاقد سوره حمد و سوره‌های معوذتین بود؛ وی بر این عقیده بود که ثبت سوره‌ها در مصحف برای حفظ آن از پراکندگی و گم شدن است و سوره حمد به جهت تکرار قرائت آن در نمازها هرگز گم نمی‌شود (همان) و موارد متعددی وجود دارد که مشخص می‌سازد مصحف ابن مسعود با سایر مصحف‌ها تفاوت دارد و در بیان عجیب دیگر در چرایی حذف ام‌الکتاب (سوره فاتحه‌الکتاب، حمد) از مصحف خود مدعی بود چیزی که در قرآن نیست نباید در آن ثبت شود. (دینوری، ص ۱۱۹) یا آن که سوره حمد عدل قرآن است و نباید جز قرآن آورده شود، اما دلیل نیاوردن دو سوره معوذتین این بود که این دو سوره را جز قرآن نمی‌دانست بلکه دعای چشم زخم (باطل السحر) می‌دانست که از جانب خدا بر پیامبر وحی شد، تا برای سلامتی حسنین آن را بخواند و آنان را از چشم زخم محفوظ دارد او هرگاه می‌دید که در مصحفی این دو سوره را نوشته‌اند، آن را پاک می‌کرد و می‌گفت: «غیر قرآن را با قرآن خلط نکنید و هرگز در نماز این دو سوره را نمی‌خواند». (سیوطی، الف، ج ۱، ص ۱۰ و ج ۸، ص ۴۶۳)

۳. سیوطی از کتاب الاقناع نقل کرده در مصحف ابن مسعود برای سوره براءت «بسم الله الرحمن الرحيم» ثبت شده بود سپس می‌نویسد: نباید آن را معتبر دانست. (سیوطی، ب، ج ۱، ص ۶۵)

۴. این مصحف در بسیاری از آیات و کلمات قرآنی با مشهور مخالفت دارد، زیرا ابن مسعود بر این باور بود که می‌توان کلمات قرآن را به مترادف آن تبدیل کرد او می‌گفت: «هرگاه کلمه‌ای بر شما دشوار باشد یا برای خواننده فهم آن مشکل آید، می‌توان آن را به کلمه دیگر که سهل و واضح است و معنای آن را دارد، تبدیل کرد» او کلمه زخرف را به کلمه ذهب، و کلمه عهن را به کلمه صوف تبدیل می‌کرد زیرا معنای هر دو کلمه در هر دو موضع یکی است او در تعلیم یک نفر اعجمی که تلفظ کلمه ائیم بر وی دشوار بود، تجویز کرد تا به جای آن بگوید: «ان شجرة الزقوم طعام الفاجر» به جای «طعام الاثیم». (طبری، ج ۲۳، ص ۹۶ - رازی، ج ۱، ص ۱۸۶)

۵. ابن مسعود در مصحف خود برخی کلمات را برای روشن شدن مراد آیه به کلمات دیگر تبدیل می‌کرد مثلاً «والسارق و السارقة فاقطعوا ايديهما» را به «فاقطعوا ايما نهما» تبدیل کرد، زیرا معلوم نبود مراد آیه کدام دست است و یا آیه «واقيموا الوزن بالقسط» را به صورت «واقيموا الوزن باللسان» ثبت کرده بود، زیرا معتقد بود اقامه وزن به واسطه زبانه ترازوست و یا آیه «انى نذرت للرحمان صوما فلن اكلم ال يوم انسيا» را «انى نذرت للرحمان صمتا» ثبت کرده بود، زیرا روزه صمت (سکوت) نذر کرده بود. (طبرسی، ج ۸، ص ۴۲۱ - زمخشری، ج ۳، صص ۶۳۲ و ۱۴ - ذهبی، ج ۱، ص ۲۷۲)

۶. او احیاناً الفاظی را به منظور شرح و تفسیر در ضمن جمله‌ها و عبارات قرآن می‌افزود این گونه زوائد تفسیری که در کلام گذشتگان بسیار به چشم می‌خورد، در مواردی بود که موجب اشتباه با نص قرآنی نمی‌گردید مثلاً در آیه «كان الناس امة واحدة (فاختلفوا) فبعث الله النبيين مبشرين و منذرين و انزل معهم الكتاب بالحق ليحكم بين الناس فيما اختلفوا فيه» افزودن «فاختلفوا» برای روشن شدن این مطلب بود که بعثت انبیا پس از اختلاف بوده است (زمخشری، ج ۱، ص ۲۵۵) بنابر نقل سیوطی از ابن مردویه، ابن مسعود می‌گفت: «در زمان پیامبر این آیه را این گونه تلاوت می‌کردیم: (يا ايها الرسول بلغ ما انزل اليك من ربك) (ان عليا مولی المؤمنين) و ان لم تفعل فما بلغت رسالته والله يعصمك من الناس)

از این موارد در مصحف ابن مسعود بسیار است که برای روشن شدن مفهوم آیه، بر آیات افزوده شده است البته این افزودن‌ها پرسش‌هایی از جمله مساله تحریف را مطرح کرده است

ولی بسیاری از این نسبت ها قطعی نیست و احتمال دخالت سیاست در جعل و نسبت خلاف به ابن مسعود بسیار می رود به ویژه که وی مخالفت هایی با حکام وقت داشت از طرف دیگر مواردی از این زیادت ها جنبه تفسیری و توضیحی دارد و در آن زمان بسیار متداول بوده است که صحابه در کنار مصحف خود مطالب تفسیری را می نوشتند، و به دیگران نقل می کردند تا مفهوم و پیام آیه در میان مردم حفظ شود. (معرفت، الف، ج ۱، ص ۳۲۲)

۷. سوره برائت (توبه) با بسم الله شروع شده است (موسوی دارابی، ج ۵، ص ۵۸ - معرفت، ب، ص ۷۷)

۸. معروف است که از دیدگاه ابن مسعود قرائت قرآن دارای توسع است یعنی می توان الفاظ جایگزین الفاظ قرآنی نمود، مثلاً یک مرد عجم که نتوانست آیه «طعام الیتیم» را تلاوت کند و می گفت طعام الیتیم، ابن مسعود به او گفت بگو: طعام الفاجر! (موسوی دارابی، ج ۵، ص ۵۹)

سرنوشت مصحف ابن مسعود

طبق گزارشات قابل اعتنا تا زمانی که ابن مسعود زنده بود از مصحف خود محافظت نمود ولی پس از مرگ او، عثمان مصحف او را آتش زد یا شست و از بین برد (موسوی دارابی، ج ۵، ص ۵۲). در ربع چهارم سده اول قمری، حجاج بن یوسف ثقفی والی عراق، نسخه ای را که در برابر مصحف رسمی رواج یافته بود، دفن کرد (ابن خالویه، ج ۱، ص ۱۴۲) همچنین در همین حدود محمد بن کعب قرظی نسخه ای را دیده که تفاوت قابل ملاحظه ای با مصحف عثمان نداشته است. (صاوی، ج ۱، ص ۴۷) در سده ۲ ق هنوز مصحف ابن مسعود در عراق رواج داشته است. ابن ندیم نسخه ای از این مصحف را رؤیت کرده که در اواسط سده مزبور کتابت شده بوده است. (ابن ندیم، ج ۱، ص ۲۹) همچنین عمار بن رزیک کوفی نسخه ای از آن را دیده و در اواخر سده مزبور فراء نحوی نامدار کوفه از نسخه ای از آن نقل کرده است (ابن خالویه، ج ۱، ص ۱۱) به علاوه مصحف ابن مسعود در این قرن موضوع بحث کلامی برای ضرار بن عمرو معتزلی و فرقه اباضی عمریه قرار گرفته است. در سده ۳ ق فضل بن شاذان رازی مصحف منسوب به ابن مسعود را دیده و ترتیب سوره ها را در آن وصف کرده است. (سیوطی، ب، ج ۱، ص ۲۲۴) در سده بعد نیز به گفته ابن ندیم مصاحف زیادی به نام ابن مسعود

متداول بوده که اختلافات بسیاری با یکدیگر داشته اند. ابن خالویه نحوی (د ۳۷۰ق) نیز جابه‌جا به نقل از مصحف ابن مسعود پرداخته است. در ۳۹۸ق برخی از شیعیان بغداد نسخه‌ای را به نام «مصحف ابن مسعود» مطرح کردند که با مصاحف رسمی اختلاف بارزی داشت و به فتوای ابوحامد اسفراینی آتش زده شد. البته در حدود ۴۲۵ق، چنانکه از گفتار صاحب «المبانی» بر می‌آید، هنوز نسخه‌هایی از مصحف ابن مسعود در مناطق مختلف یافت می‌شده است. (صاوی، ج ۱، ص ۴۶) به روایت قرطبی به دنبال انقراض خلافت فاطمی مصر (۵۶۷ق) در خزاین آنان نسخه‌ای از مصحف ابن مسعود به دست آمد که به دستور قاضی صدرالدین سوخته شد.

مقایسه دو مصحف

۱. در مصحف حضرت امیرالمومنین علیه السلام، افزون بر متن آیات، تفسیر، تأویل، اسباب نزول آیات و هر آنچه ناظر به تفسیر و تبیین قرآن است، منعکس شده‌اند و مصحف ابن مسعود فاقد این بخش مهم می‌باشد
۲. در مصحف حضرت، سور قرآن بر اساس نزول تنظیم شده‌اند. بنا براین، ساختار و چیدمان سوره‌ها در مصحف امام، با چیدمان آنها در مصحف ابن مسعود متفاوت است. در واقع حضرت امیرالمومنین علیه السلام آن را بر اساس ترتیب نزول گرد آوردی فرموده است.
۳. ضبط مصحف حضرت علی علیه السلام در دوران پیامبر صلی الله علیه و آله یعنی آنچه در مصحف حضرت امیر علیه السلام وجود دارد ترتیب نزول آیات بوده است.
۴. مصحف ابن مسعود فاقد تمامی سوره‌هایی است که بر پیامبر صلی الله علیه و آله نازل شد می‌باشد لذا سوره حمد و معوذتین را ندارد اما مصحف حضرت علی حاوی تمام سوره‌ها بوده است.
۵. مصحف ابن مسعود بر خلاف مصحف حضرت علی علیه السلام بعد از رحلت پیامبر تدوین شد
۶. مصحف ابن مسعود املای وی و نگارش شاگردانش بود در حالی که مصحف حضرت علی علیه السلام نگارش شخص خود حضرت علیه السلام بود
۷. حضرت علی علیه السلام از سوی پیامبر صلی الله علیه و آله مامور به تدوین مصحف بوده بر خلاف ابن مسعود.

۸. ابن مسعود برخی کلمات قرآن را تغییر داده تا به زعم خودش قرآن را ساده و قابل فهم کند ولی حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام عینا همان کلمات وحی را تدوین نموده است.

نتیجه

با تامل در ویژگی‌های اشتراکی و اختصاصی دو مصحف حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام و ابن مسعود معلوم می‌گردد با توجه به جایگاه ویژه حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام و زمان تدوین مصحف ابن مسعود که بعد از رحلت حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بوده است و این مصحف حضرت علیه السلام در زمان حیات شریف پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و به دستور آن حضرت تدوین شده است و ابن مسعود با اعمال اجتهاد از سوی خود به دخل و تصرف در برخی واژگان قرآن مجید اقدام نموده و برخی از سوره‌های قرآن را حذف کرده است و و این مصحف نگارش و تدوین شخص ابن مسعود نیست، بلکه به املائی وی و توسط شاگردان مختلف نگاشته شده است، و به گزارش ابن حجر عسقلانی، این مصحف با حتی با مصحف عثمانی نیز تفاوت داشته و بر ترتیب نزول تدوین نشده و چنین مرتب شده: فاتحه، بقره، نساء، آل عمران و ... (عسقلانی، ج ۹، ص ۳۸) لذا شایستگی ارجاع و استناد خصوصا در مباحث فقهایی را ندارد و بهترین مصحف برای تلاوت و رجوع، مصحف حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام است زیرا به بیان عسقلانی به ترتیب نزول جمع آوری شده (عسقلانی، ج ۹، ص ۳۸) و کامل و مصون از هر گونه تحریف و دخل و تصرف است و به امضا و تایید همه امامان علیهم السلام رسیده و حاوی صحیح ترین قرائت است (احمد الدقاق، ص ۳۴۷) و قطعا با همین مصحفی که اکنون در اختیار امت اسلامی است مطابقت دارد و بایسته است فقهای مذاهب اسلامی به این مهم التفات لازم را داشته و در متون مختلف تفسیری، روایی، تاریخی و... آن را جستجو نموده و تا حد ممکن در استخراج احکام و صدور فتوا به آن و محتوای آن مانند تبیین تاویل آیات و معنای متشابهات و ... تلاش داشته باشند.

کتابنامه

- ابن خالویه، حسین، *مختصر فی شواذ القرآن*، دارالوراق، قاهره، ۱۹۳۴م
- ابن شهر آشوب، ابو جعفر محمد بن علی، *مناقب آل ابی طالب علیه السلام*، دار الاضواء، دوم، بیروت، ۱۴۱۲ق
- ابن ندیم، محمد بن اسحاق، *الفهرست*، دارالمعرفه، اول، بیروت، ۱۴۱۷ق
- احمد الدقاق، عبدالله علی، *حقیقت مصحف الامام علی علیه السلام عند الفریقین*، دلیل ما، ایران، ۱۴۳۰ق
- انصاری، مرتضی، *تراث الشیخ الاعظم* (کتاب الصلاة)، مجمع الفكر الاسلامی، ایران، ۱۴۱۵ق
- تستری، نورالله (شهید قاضی)، *کشف القناع*، آستان قدس رضوی، دوم، ایران، ۱۴۰۰
- جوان آراسته، حسین، *درسنامه علوم قرآنی* (سطح ۲)، بوستان کتاب قم، ششم، ایران،
- خرمشاهی، بهاء الدین، *قرآن پژوهی*، علمی و فرهنگی، اول، تهران، ۱۳۷۶
- دینوری، ابن قتیبه، *تاویل مشکل القرآن*، محمد حسن بحری بینا باج، آستان قدس رضوی، دوم مشهد، ۱۳۹۰
- ذهبی، شمس الدین، *تذکره الحفاظ*، دارالکتب العلمیه، اول، بیروت، ۱۴۳۳ق
- رامیار، محمود، *تاریخ قرآن*، امیر کبیر، شانزدهم، ایران، ۱۳۹۸
- زمخشری، محمد بن عمر، *الکشاف*، دارالکتب العربی، اول، بیروت، ۱۴۱۲ق
- سیوطی، جلال الدین، (الف)، *الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور*، دارالفکر، اول، بیروت ۱۴۰۳ق
- _____، (ب)، *الاتقان فی علوم القرآن*، دارالکتب العلمیه، بیرون، اول، ۱۴۰۳
- صاوی، عبدالله اسماعیل، *المبانی*، بی جا، قاهره، ۱۹۵۴م
- صدوق، محمد، *الخصال*، دارالکتب الاسلامیه، اول، ایران، بی تا
- طباطبایی، محمد حسین، *المیزان*، جامعه مدرسین قم، پنجم، قم، ۱۳۷۴
- طبرسی، احمد، *الاحتجاج*، دارالنعمان، عراق، ۱۳۸۶ق
- طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البیان*، موسسه الاعلمی، اول، بیروت، ۱۴۱۵ق
- طبری، ابو جعفر، *تفسیر طبری*، دارالکتب العلمیه، اول، بیروت، ۱۴۱۴ق
- عسقلانی، احمد بن علی بن حجر، *فتح الباری*، دارالمعرفه، بیروت، بی تا

عسکری، سید مرتضی، *القرآن الکریم و روایات المدرستین*، شرکت التوحید، اول، بیروت، ۱۴۱۷ق

عیاشی، محمد بن مسعود، *تفسیر العیاشی*، موسسه اعلمی، بیروت، ۱۴۱۱ق
فخر رازی، محمد بن عمر، *التفسیر الکبیر*، دارالفکر، اول، بیروت، ۱۴۲۴ق
فراهیدی، خلیل، *کتاب العین*، جامعه مدرسین قم، ایران، ۱۴۱۴ق
قیس هلالی، سلیم بن قیس، *سلیم بن قیس*، دلیل ما، پنجم، ایران، ۱۴۲۸ق
کلینی، محمد، *الکافی*، دارالکتب الاسلامیه، سوم، ایران، ۱۳۸۸ق
مجلسی، محمد باقر، *بحار الانوار*، دار احیاء التراث، سوم، بیروت، ۱۴۰۳ق
معرفت، محمد هادی، *التمهید*، الف، ابومحمد وکیل، سازمان تبلیغات اسلامی، اول، ایران، ۱۳۷۱.

_____، *تاریخ قرآن*، ب، سمت، ایران، ۱۳۷۷

مفید، محمد، سلسله مولفات شیخ مفید *مسائل السرویہ*، دارالارشاد، اول، بیروت، ۱۴۰۱۴ق
موسوی دارابی، سید علی، *نصوص فی علوم القرآن*، آستان قدس رضوی، اول، ایران، ۱۳۸۶.

